

بررسی فرافکنی انسان نسبت به خداوند در آثار هنری و عرفانی عطار نیشابوری

چکیده

از دیرباز انسان‌ها نگاه مادی‌گرایانه به خداوند داشته‌اند و حالات و افکار خود را به خدا نسبت می‌دادند؛ گویی خدا همان ویژگی‌های شخصیتی انسان است که از طریق فرافکنی به بیرون افکنده شده است. از دیدگاه علم روانشناسی این مقوله نزدیک به مفهوم فرافکنی یکی از مکانیسم‌های دفاع روانی است. پژوهش حاضر براساس شیوه توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است و یک تحقیق میان‌رشته‌ای است که با تمرکز بر ابیات و حکایات سه اثر عطار نیشابوری: تذکره الاولیاء، منطق‌الطیر و الهی‌نامه سعی دارد گفتار و اندیشه شخصیت‌های حکایات عطار را از منظر بحث فرافکنی در روانشناسی بررسی کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که هر کس خدا را در آینه خود می‌نگرد که در علم روانشناسی باتوجه به بحث فرافکنی، انسان، خدا را در آینه خود و دیگران می‌جوید در این میان شخصیت‌های فرافکن نیز مشخص شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که انسان‌ها اغلب باخدا ارتباط برقرار می‌کنند اما بعضی افراد مجموعه ویژگی‌های شخصیتی خود را در مفهومی به نام خدا فرافکنی می‌کنند و خدایی می‌سازند که همان شکل و شمایل و خصایص خودشان را دارد و می‌پندارند پروردگار جهانیان را می‌پرستند؛ درحالی که آن‌ها پرستش‌کننده آفریننده ذهن و مطلوب خود هستند و درک درستی از حقیقت مطلوب (خداوند) ندارند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی فرافکنی انسان نسبت به خدا در آثار هنری و عرفانی عطار.

۲. بررسی دیدگاه عطار درباره فرافکنی انسان درباره خداوند.

سؤالات پژوهش:

۱. دیدگاه عطار نیشابوری پیرامون فرافکنی انسان درباره خداوند چیست؟

۲. فرافکنی انسان نسبت به خداوند در آثار هنری و عرفانی عطار نیشابوری چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: خدا، فرافکنی، عطار نیشابوری، روانشناسی.

مقدمه

تفاوت انسان‌ها در نحوه نگرش آن‌هاست که نشأت گرفته از ویژگی‌های فردی، خانوادگی، محیطی، اجتماعی و ... است. باورها و احساسات هر فردی با دیگری متفاوت است و هر کس دریافته که از هر پدیده دارد با فرد دیگر متفاوت است. در این راستا، صورت انسانی و مادی دادن به خدا، همواره در طول تاریخ و در ادبیات نمود داشته است و سابقه‌ای دیرینه دارد. ادراک وقایع و رویدادها مطابق با تمایلات و احساسات و انتظارات درونی که البته به صورت ناخودآگاه مطرح می‌شود، سبب ایجاد فرافکنی در زمینه‌های مختلف می‌شود؛ بنابراین زمانی که از دریچه علم روانشناسی به آن بنگریم می‌توانیم در همه افراد و رفتارها فرافکنی را بیابیم. انسان‌ها اغلب مجموعه افکار، احساسات و تمایلات و ویژگی‌های خود را به عوامل مختلفی نسبت می‌دهند، مفهوم فرافکنی در اعصار گذشته مطرح بوده است که با عناوین مختلف تحت عنوان از چشم خود به دیگران نگرستن، عدم رسیدن به خواسته‌ها و قصور خود را به روزگار، خدا، قضا و قدر نسبت دادن و موارد دیگر.

در حکایات عطار به روایت‌هایی برمی‌خوریم که هر کس مطابق با گمان و اندیشه خود در مورد خداوند نظر می‌دهد و از ظن خود بار او می‌شود. در این بررسی نگاه به خداوند از منظر روانشناسی در خصوص مبحث فرافکنی به عنوان یکی از مکانیسم‌های دفاع روانی مورد توجه قرار گرفته است: به طور کلی روایت اصلی سه اثر عطار نیشابوری: تذکرة الاولیاء، منطق الطیر و الهی‌نامه؛ معرفت خداوند و راه‌های رسیدن به حضرت وی و داستان واصلان و در راه ماندگان و گفتار و کنش آن‌ها است. هدف این مقاله در بررسی حکایات و ابیات این است که به توصیف و تحلیل دیدگاه شخصیت‌های انسانی نسبت به خداوند، به بررسی ابیات زیادی از گفت‌وگوهای ساده و بی‌آلایش شخصیت‌هایی بپردازد که متعلق به طبقات عادی جامعه یا شخصیت‌های نمادین انسانی از داستان‌های تمثیلی هستند که می‌توان نگرش و گفتگوهای آن‌ها را با بحث فرافکنی انسان نسبت به خداوند در روانشناسی بررسی کرد که نحوه به کارگیری آن در سه اثر مذکور چگونه بوده است؟

اهمیت این مقاله در آن است که حوزه فکر و اندیشه را شامل می‌شود و از ادراک ظواهر به درک معرفت سوق دارد و از نظر روانشناسی با توجه به بحث فرافکنی، تعبیراتی که دسته‌های متفاوت مردم از خداوند دارند و غلبه احوالات درونی و تأثیرات آن بر درک حقیقت به گونه‌ای است که حالات ذهنی و درونی خود را به خدا نسبت می‌دهند، بر مصداق این سخن که از کوزه همان تراود که در اوست مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا آموزه‌های عرفانی در قالب داستان مطرح شده‌اند تا عوام درک بهتری از مطالب داشته باشند. بزرگان ادبی چون عطار برای فهم بهتر، مباحث خداشناسی را به صورت غیرمستقیم در قالب داستان یا نماد بیان می‌کردند بر مصداق این بیت از مولانا: خوشتر آن باشد که سر دلبران/ گفته آید در حدیث دیگران.

پیشینه تحقیق حاکی از این است که مقالاتی به بررسی فرافکنی پرداخته‌اند. نظیر: «نگرشی عرفانی - روانشناسی بر مفهوم فرافکنی در غزلیات شمس» کاظم خانلو و بیرانوند (۱۳۹۳)؛ «چند مفهوم روانشناسی در اندیشه‌های مولوی» کتابی (۱۳۸۶)، «فرافکنی در غزلیات سنایی» عباسی شکرباغانی (۱۳۹۵)، «فرافکنی و شخصیت بخشی در شعر حافظ» علی محمدی آسیا بادی (۱۳۸۵) نقش فرافکنی را در شخصیت بخشی در شعر حافظ بررسی کرده است. «شبهه خدا به مثابه فرافکنی» افضلی (۱۳۹۹)، «فرافکنی در داستان شیر و نخچیران مثنوی» آموزگار (۱۳۸۹)، «فرافکنی و توجیه در فرهنگ عامه ایرانی» کتابی (۱۳۹۱)، کتاب «فرافکنی در فرهنگ و ادب فارسی» کتابی (۱۳۸۳). پایان‌نامه‌ها:

«فرافکنی در مثنوی معنوی» رحیمی و همکاران (۱۳۸۶)، «راهکارهای مقابله با فرافکنی در سیره علوی» کیخا و همکاران (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی فرافکنی در مثنوی معنوی مولانا و دیوان حافظ» فریده یعقوب‌نیا و شمه‌سرای (۱۳۹۹)، به‌طور کلی در هر یک از این موارد مذکور انعکاس مفاهیم فرافکنی بررسی شده است اما هیچ‌گونه تطبیق موضوعی و محتوایی با این پژوهش وجود ندارد و تاکنون تحقیقی درخصوص موضوع پژوهش حاضر صورت نگرفته است. روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی است و گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی یا کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این مقاله، از مبحث فرافکنی به‌صورت عام استفاده شده است؛ امید است که در مطالعات روانشناسی ادبیات مفید باشد.

نتیجه‌گیری

در حکایات عطار ابیاتی وجود دارد که از آن‌ها مفهوم فرافکنی انسان نسبت به خدا مستفاد می‌شود که عطار به رد آن پرداخته است. با این توضیح که عطار قصد ندارد که بگوید خدا وجود ندارد و هر آنچه هست آفریده ذهن انسان است. او به‌عنوان فردی آگاه، شناخت خداوند و درک حقیقت او رازمانی میسر می‌داند که انسان، خدا را فقط از طریق خود خدا بشناسد نه از طریق ادراکات، خیالات و توهمات خود. اغلب انسان‌ها امیال، افکار، احساسات و مجموعه ویژگی‌های شخصیتی خود را در مفهومی به نام خدا نسبت می‌دهند و پرستش‌کننده آفریننده ذهن و مطلوب خود هستند و درکی از حقیقت مطلوب (خداوند) ندارند. در ضمن عطار بیان می‌کند که انسان‌ها تصویرهای متفاوتی از خدا در ذهن خود دارند که این تصاویر بر اساس بینش درونی آن‌هاست و هر کس خدا را آن‌طور معرفی می‌کند و به تصویر می‌کشد که در درون خود درک کرده است.

مطلب دیگری که از استنباط این حکایات می‌توان به آن اشاره داشت این است که عطار دراثناي حکایات خود درجایی که ضرورت می‌داند ابیاتی را بیان می‌کند که اشاره دارد به گروهی از انسان‌ها که در خیال و اوهام و توهمات خود سیر می‌کنند و خدا را از آن منظر درک می‌کنند. خیال‌اندیشی یکی از مواردی است که سبب ایجاد فرافکنی می‌شود کسانی با بر اساس خیال به عالم می‌نگرند هرگز حقیقت را حتی باوجود نشانه‌های بسیار درک نمی‌کنند و در پی خیال خود هستند و هر دلیلی را هم برای رسیدن به آن مطرح می‌کنند و این امر موجب انحرافات فکری در آن‌ها می‌شود. وهم و توهم سبب بروز فرافکنی می‌شود و افکار متوهم نمی‌توانند شناخت درستی نسبت به حقیقت داشته باشند زیرا درک آن‌ها به‌واسطه وهم و پندار است و آن را نیز به خدا و دیگران فرافکنی می‌کنند. در این راستا با بررسی ابیات، شخصیت‌های داستانی فرافکن این حکایات عبارت‌اند از: عرفا و صوفیان، اشخاص عادی و ناآشنا و گروهی هم از دیوانگان که در این میان دیدگاه روانشناسان در حوزه بحث فرافکنی، موردبررسی قرار گرفته است که مشخص شد هر یک از شخصیت‌ها با بینشی درونی و با تعبیرات متفاوت در مورد خداوند می‌نگرند و سخن می‌گویند. عارف بر اساس معرفت وجودی خود به خدا می‌نگرد و او را همچون آینه‌ای می‌بیند که هر کس خود را در آن نگاه می‌کند درعین حال فرافکنان دیگر نیز با توجه به اینکه متعلق به اقشار مختلفی از جامعه هستند نوع فرافکنی آن‌ها نیز متفاوت است و بر اساس زاویه دید و معرفت بشری خودشان خدا را درک کرده‌اند و از او استنباطی دارند و آن را به خدا نسبت می‌دهند که در علم روانشناسی «فرافکنی» گفته می‌شود که با توجه به تنوع شخصیت‌ها این میزان شامل:

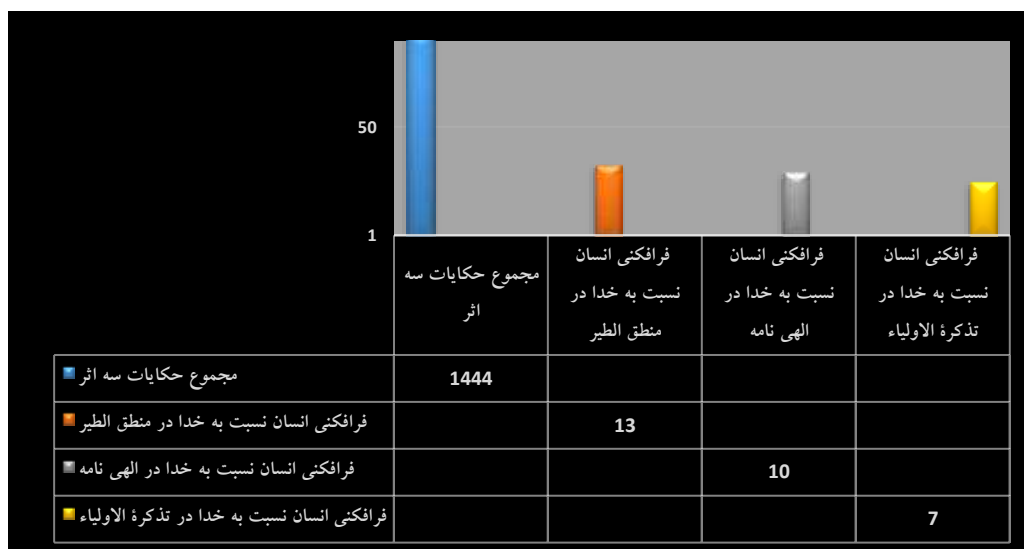
فرافکنی شخصیت‌های صوفیان و عرفا: در تذکره‌الاولیاء ۷ حکایت از ۹۸۸ حکایت یعنی ۰.۷۰ درصد و در منطق‌الطیر از ۱۷۴ حکایت ۲ حکایت یعنی ۱.۱۴ درصد مربوط به فرافکنی شخصیت‌های عرفا و صوفیان نسبت به خداوند است.

فرافکنی شخصیت‌های دیوانگان: در منطق‌الطیر از ۱۷۴ حکایت ۶ حکایت، یعنی ۳.۴۴ درصد در الهی‌نامه از مجموع ۲۸۲ حکایت ۴ حکایت یعنی ۱.۴۱ درصد مربوط به عقلای مجانین (دیوانگان) است.

فرافکنی دیگر شخصیت‌ها: در منطق‌الطیر از ۱۷۴ حکایت ۵ حکایت یعنی ۲.۸۷ درصد، در الهی‌نامه از مجموع ۲۸۲ حکایت ۶ حکایت یعنی ۲.۱۲ درصد مرتبط با دیگر شخصیت‌ها است.

درمجموع، فرافکنی شخصیت‌های انسانی نسبت به خداوند در سه اثر تذکره‌الاولیاء، منطق‌الطیر و الهی‌نامه عبارت‌اند از: در تذکره‌الاولیاء ۷ حکایت از مجموع ۹۸۸ حکایت یعنی ۰.۷۰ درصد که فقط شامل فرافکنی شخصیت‌های عرفا و صوفیان است. در منطق‌الطیر از مجموع ۱۷۴ حکایت ۱۳ حکایت یعنی ۷.۴۷ درصد شامل فرافکنی شخصیت‌های دیوانگان، عرفا و صوفیان و دیگر شخصیت‌ها است. در الهی‌نامه از مجموع ۲۸۲ حکایات ۱۰ حکایت یعنی ۳.۵۴ درصد که شخصیت‌های دیوانگان و دیگر شخصیت را شامل می‌شود که در و نمودارهای ۱-۱- شواهد فرافکنی انسان نسبت به خداوند و ۲-۱- درصد فرافکنی انسان نسبت به خداوند در تذکره‌الاولیاء، منطق‌الطیر و الهی‌نامه به‌طور مختصر نشان داده‌شده است.

نمودار ۱-۱- شواهد فرافکنی انسان نسبت به خدا در تذکره‌الاولیاء، منطق‌الطیر و الهی‌نامه



نمودار ۲-۱- درصد شواهد فرافکنی انسان نسبت به خدا در تذکره‌الاولیاء، منطق‌الطیر و الهی‌نامه



منابع و مأخذ:

القرآن الکریم

آموزگار، شهلا. (۱۳۸۹). «فرافکنی در داستان شیر و نخچیران مثنوی مولوی». فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهرکرد. س ۵. ش ۱۸ و ۱۹. صص ۳۴-۱۱.

افضلی، سید عبدالرئوف. (۱۳۹۹). «شبهه خدا به مثابه فرافکنی». فصلنامه پژوهشی فلسفه دین. دوره ۱۷. ش ۴. صص ۵۴۱-۵۶۶.

اسولیوان، تام و دیگران. (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات. ترجمه میرحسین رئیسزاده. چ اول. تهران: فصل نو.

باطنی، غلامرضا. (۱۳۸۵). «صحو و سکر در تعالیم صوفیان». فصلنامه پژوهشی نامه پارسی. ش ۲. صص ۸۷-۱۱۰.

برونو، فرانک. (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی روانشناسی. ترجمه: مهشید یاسایی و فرزانه طاهری، تهران: ناهید.

بهرامی، غلامرضا؛ معنوی، عزالدین. (۱۳۷۰). فرهنگ لغات و اصطلاحات چهار زبانه روان پزشکی آنسیکلوپدی روان پزشکی. تهران: دانشگاه تهران.

ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۴). شرح راز منطق الطیر، چ ۱، تهران: امیرکبیر.

دشتی، محمد. (۱۳۸۶). نهج البلاغه، قم: الهادی.

رحیمی، یدالله و همکاران. (۱۳۹۰). «فرافکنی در مثنوی معنوی». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

ریتر، هلموت. (۱۳۷۹). دریای جان. ترجمه: عباس زریاب خویی و مهر آفاق بایبوردی، به اهتمام کنگره جهانی عطار، چ ۳، سازمان چاپ و انتشارات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

زریاب خویی، عباس و بایبوردی، مهر آفاق. (۱۳۷۷). دریای جان، تهران: انتشارات الهدی.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). جستجو در تصوف ایران، چ ۴، تهران: انتشارات امیرکبیر.

زوزنی، حسین بن احمد. (۱۳۴۰ - ۱۳۴۵). کتاب المصادر، مشهد: چاپ تقی بینش.

شی‌هی، نوئل. (۱۳۸۸). پنجاه اندیشمند بزرگ روانشناسی. ترجمه ژاله افشاری منفرد و حمید پیروی و یعقوب وکیلی. تهران: دانژه.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷). منطق الطیر، تصحیح دکتر شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

_____ (۱۳۲۱). تذکره‌الاولیاء، مقدمه میرزا محمدخان قزوینی، از روی چاپ نیکلسون، تهران: چاپخانه مرکزی.

_____ (۱۳۹۱). تذکره‌الاولیاء، بررسی و تصحیح متن، توضیحات و فهرس دکتر محمد استعلامی، چ ۲۳، تهران: زوآر.

_____ (۱۳۹۷). الهی‌نامه، تصحیح دکتر شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

عباسی شکرباغانی، سپیده. (۱۳۹۵). «فرافکنی در غزلیات سنایی». یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه گیلان. صص ۲۳۴۶-۲۳۶۶.

_____ (۱۳۹۱). «فرافکنی و توجیه در فرهنگ عامه ایرانی». فصلنامه علمی پژوهشی جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ش ۱. صص ۹۷-۱۲۱.

علیق‌لیزاده، حسین. (۱۳۹۰). «بررسی تشبیه و تحلیل شیوه‌های بیان و استدلال در زبان دیوانگان عطار». فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی. ش ۱۰. صص ۶۷-۳۹.

قاضی سعید قمی. (۱۴۱۵). شرح توحید صدوق، تصحیح نجفقلی حبیبی، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. قاسمی ترکی، اکرم و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل حکایات مجانین (دیوانگان) در مثنوی‌های چهارگانه عطار (الهی‌نامه. مصیبت‌نامه. اسرارنامه. منطق‌الطیر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

کتابی، احمد. (۱۳۸۳). فرافکنی در فرهنگ و ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.

کاظم خانلو، ناصر و بیرانوند، نسرين. (۱۳۹۳). «نگرشی عرفانی-روانشناسی بر مفهوم فرافکنی در غزلیات شمس». فصلنامه عرفان اسلامی. ش ۴۷، صص ۷۷-۹۹.

کتابی، احمد. (۱۳۸۶). «چند مفهوم روانشناسی در اندیشه‌های مولوی». فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ. ش ۶۴ و ۶۳. صص ۵۵۳-۶۰۳.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). اصول کافی، ترجمه و شرح: سیدجواد مصطفوی، ج ۱، تهران: کتابفروشی علمیة اسلامیة.

کیخا، ام‌البنین و همکاران. (۱۳۹۶). راهکارهای مقابله با فرافکنی در سیره علوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

- گنجی، حمزه. (۱۳۸۶). روانشناسی عمومی، چ ۵، تهران: نشر ساوالان.
- محمدی آسیا بادی، علی. (۱۳۸۵). «فرافکنی و شخصیت بخشی در شعر حافظ». فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تربیت معلم). ش ۵۲ و ۵۳. صص ۱۳۴-۱۱۱.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲). بحارالانوار، ج ۶۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- میلانی فر، بهروز. (۱۳۸۰). بهداشت روانی. چ چهارم، تهران: قومس.
- یعقوب‌نیا، فریده و همکاران. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی فرافکنی در مثنوی معنوی مولانا و دیوان حافظ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز رشت: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.